



آراء ابن خلدون با اندیشه‌های کلاسیک اجتماعی قابل مقایسه است

محمدامین قانع‌راد گفت: فرید العطاس معتقد است نظریه ورزی خلاقانه ابن خلدون با بهترین دستاوردهای فکری اندیشمندان کلاسیک علوم اجتماعی قابل مقایسه و رقابت است.

محمدامین قانع‌راد گفت: فرید العطاس معتقد است نظریه ورزی خلاقانه ابن خلدون با بهترین دستاوردهای فکری اندیشمندان کلاسیک علوم اجتماعی قابل مقایسه و رقابت است.

به گزارش خبرنگار مهر، فرید العطاس جامعه شناس مالزیایی الاصل که چندین بار است به ایران سفر کرده است و در این سفرها هر بار به گفتگو و سخنرانی در زمینه های مختلف پرداخته است. اخیراً نیز کتابی از او با عنوان گفتمان های دگرواره در علوم اجتماعی آسیا توسط دکتر محمد امین قانع راد ترجمه شده است که به این بهانه گفتگویی با دکتر قانع راد، رئیس انجمن جامعه شناسی ایران ترتیب داده ایم.

*چگونه شد که این چند بار فرید العطاس را به ایران دعوت کردید؟

ارتباط فرید العطاس با انجمن جامعه شناسی ایران از زمان فوت پدرشان شروع شد. چند سال پیش که پدر ایشان یعنی پروفیسور سید حسین العطاس، فوت کرد ما همایش یادمان و معرفی برایش برگزار کردیم و متعاقب آن نیز همایشی با عنوان علم بومی، علم جهانی: امکان یا امتناع؟ برگزار کردیم که طی آن بحث مسائل معرفت شناسی و شکل گیری علوم اجتماعی در کشورهای در حال توسعه مورد بحث و بررسی قرار گرفت. بعد از آن همایش برای اولین بار که سید فرید العطاس به ایران آمد خودش با انجمن ارتباط برقرار کرد و ابراز علاقمندی نمود که با اعضای انجمن دیدار داشته باشد.

نکته دیگری که در مراسمی که توسط دکتر توسلی برای یادمان حسین العطاس برگزار شده بود، متوجه شدیم، این بود که همسر فرید العطاس ایرانی است. در آن همایش کلیپی از سید حسین العطاس پخش کردیم و اشاره ای به پسر ایشان هم داشتیم و اشاره کردیم که ایشان استاد جامعه شناسی در دانشگاه ملی سنگاپور است. بعد از این دو مراسم و آشنایی با ایشان هر دفعه ای که عطاس به ایران می آمد، ما سعی کردیم هر بار جلسه سخنرانی در انجمن ترتیب بدهیم. از طرفی فرید العطاس، عضو کمیته اجرایی انجمن بین المللی جامعه شناسی (ISA) هم هست و امکانات و ارتباطات بیشتر انجمن جامعه شناسی ایران با این انجمن را فراهم کرد. لذا ارتباطات بعدی ما با ایشان منجر به تعریف یک همایش منطقه ای با عنوان تفکر اجتماعی و جامعه شناسی در خاورمیانه و شمال آفریقا شد که منجر به تشکیل این همایش شد. از اسم آن آ پیدا است که از کشورهای شمال آفریقا نمایندگانی را دعوت می کردیم و تا به حال دو بار در ایران برگزار شده است. اولین دوره در ایران، دومین دوره در ترکیه، سومین دوره در ایران تشکیل شد و چهارمین دوره آن نیز در بهار ۹۴ در بیروت تشکیل می شود. هدف این همایش پیوند زدن بین آرا و اندیشه های اندیشمندان متفکران اجتماعی و جامعه شناسی است.

العطاس، معتقد است ما می توانیم از تفکر اجتماعی در جوامع خودمان به عنوان یک منبع برای مفهوم پردازی و نظریه سازی استفاده کنیم. اندیشمندان اجتماعی در کشورهای ما به طور مستقیم یا غیر مستقیم درباره مسائل اجتماعی و چالش های تحول فرهنگی این کشورها اندیشیده اند و پیوند بین آرای آنها و نظریات جامعه شناختی می تواند به شکل گیری یک علوم اجتماعی مبتنی بر زمینه های فرهنگی قابل درک برای مردم و اندیشمندان این جوامع کمک کند.

* شما کتابی از ایشان به فارسی ترجمه کرده اید با عنوان گفتمان های دگرواره در علوم اجتماعی آسیا. لطفاً درباره این کتاب توضیح دهید.

بله یکی دیگر از اتفاقاتی که افتاد ترجمه کتاب علوم اجتماعی دگرواره در کشورهای آسیا بود که این کتاب مسئله الزامات شکل گیری یک علوم اجتماعی مستقل و متفاوت با سنت اروپا محورانه علوم اجتماعی را مطرح می کند و تجربیات کشورهای مختلف از جمله ترکیه، مصر، اندونزی، فیلیپین، ژاپن، کره جنوبی و... برای کمک به شکل گیری یک علوم اجتماعی مستقل را مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد. من شخصاً این کتاب را به عنوان یک راه سوم بین اروپا محوری و بومی گرایی خام برای تکوین علوم اجتماعی مستقل تلقی می کنم. کمبود این کتاب فقدان فصلی در مورد تجربه ایران است که از فرید العطاس درخواست کردم فصل جدیدی را در این مورد نگاشته و در ترجمه فارسی به متن اصلی اضافه کند. العطاس در این کتاب، می خواهد نشان بدهد که در برابر سنت اندیشه غربی در علوم اجتماعی سنت های دیگری نیز وجود داشته است.

*العطاس دیدگاه هایی در مورد ابن خلدون دارد. نظر شما درباره این دیدگاه ها چیست؟

یکی از این سنتها، سنت ابن خلدونی در علوم اجتماعی است او در این زمینه دو کتاب، تألیف کرده است و آنها را در سال های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ به چاپ رسانده است. در اولین کتاب، اندیشه های مفهومی و نظریه های ابن خلدون را مطرح می کند و در دومی، این اندیشه ها را برای تبیین تحولات اجتماعی در کشورهای مختلف و در دوره های تاریخی مختلف به کار می بندند. روش العطاس در این میان استفاده مستقل از اندیشه های ابن خلدون و یا ترکیب آنها با نظریات و آرای سایر نظریه پردازان جامعه شناسی می باشد. از جمله او معتقد است که ابن خلدون به پدیده های اقتصاد سیاسی و نقش طبقات اجتماعی در

دگرگونی جوامع کمتر توجه کرده است و به این دلیل تلفیق اندیشه های ابن خلدون و مارکس را برای پوشاندن خلاهای ناشی از عدم توجه ابن خلدون به پدیده تعارض اقتصادی توصیه می کند.

العطاس یک مدل نظریه پردازی و مفهوم سازی ارائه می دهد که در آن امکان تلفیق بینش های نظری اندیشمندان کشورهای شرق و غرب یا اندیشمندان مسلمان و مسیحی و ... وجود دارد. برای مثال هندی ها می توانند برای توسعه جامعه شناسی مستقل خود از ظرفیت های مفهومی هندویی در کنار نظریات کلاسیک و معاصر جامعه شناسان غربی از قبیل مارکس، وبر دورکیم و ... استفاده کنند. مدل ایشان در مفهوم پردازی، امکان گفتگوی علمی بین شمال و جنوب را فراهم می کند. او شدیداً با تقسیم کار رایج در جهان علوم اجتماعی مبنی بر تولید نظریه توسط کشورهای شمال و کاربری آنها توسط کشورهای جنوب مخالف است و بر این باور است که کشورهای در حال توسعه می بایست مشارکت بیشتری در تولید مفهوم، نظریه و مدل های تحلیلی داشته باشند.

العطاس کارهای ابن خلدون را به عنوان آثار کلاسیک جامعه شناسی جهانی به رسمیت می شناسد و معتقد است که او با نقد سنت تاریخ نگاری در کشورهای اسلامی و با تسلط به سنت های فرهنگی ادبی دینی در کشورهای مزبور توانست ترکیب نظری خلاقانه ای را برای درک پدیده های اجتماعی معاصر خود فراهم سازد. این نظریه ورزی خلاقانه با بهترین دستاوردهای فکری اندیشمندان کلاسیک علوم اجتماعی قابل مقایسه و رقابت است.

***در ترجمه کتابی که شما از ایشان کرده اید از واژه دگرواره به جای جانشین استفاده کرده اید آیا دلیل خاصی داشت؟**

از نظر العطاس، بین بومی گرایی خام (NATIVISM) و علوم اجتماعی مستقل باید تفاوت گذاشت. بومی گرایی خام معیارهای فرهنگ خودی را به عنوان معیارهای نهایی برای ارزیابی نظام های معرفتی می پذیرد و مبتنی بر پیش داوری، تعصب فرهنگی و شرق شناسی معکوس است. بومی گرایی در این معنی، همانند شرق شناسی به دنبال ارائه تعاریف ذات گرایانه از دیگری است. علوم اجتماعی مستقل، لزوماً خواهان نفع یا کنار گذاشتن دستاوردهای علوم اجتماعی جهانی نیست. به این دلیل من در ترجمه فارسی از واژه علوم اجتماعی دگرواره به جای علوم اجتماعی جایگزین استفاده کردم که منظور از آن تأکید بر تفاوت این دو نوع علوم اجتماعی و نه لزوماً رابطه انکارگرایانه بین آنهاست.

علوم اجتماعی دگرواره به دنبال تناسب دانش اجتماعی و مسائل، موضوعات و زمینه های معرفتی کشورهای جهان سوم است و بنابراین از نظر العطاس از مشروعیت اثربخشی بیشتری در نزد اهالی فرهنگ و سیاست در این کشورها برخوردار خواهد بود. علوم اجتماعی دگرواره در یک سطح ملموس با مسائل و نیازهای اجتماعی ارتباط برقرار می کند به جای اینکه از یک نگاه انتزاعی این پدیده ها را مورد ارزیابی قرار دهد. گفتگو از خداداد خادم